

**گفت و گو با میراث دار پدر در حاشیه شهر**

# کتابدار گنجینه کامبوزیا

گروه فرهنگ

آدرس را که می پرسم بر خلاف تصور می گویند در حاشیه شهر است. پس از طی کردن خیابان های پر جمعیت و تو در توی حاشیه شهر، انتهای یکی از خیابان ها ظاهری متفاوت نسبت به دیگر نقاط حاشیه شهر دارد، تابلوی کتابخانه ای در دل حاشیه شهر جلب توجه می کند! رنگ را می فشارم و پس از چند ثانیه در باز می شود؛ فضایی این چنین با سلیقه و زیبا در آن نقطه از شهر، دور از انتظار است. فضایی که زندگی و فرهنگ در آن جریان دارد. مشکل از دو سالن بزرگ است آهنگ ملایم سنتی به گوش می رسد و عطر گل های طبیعی مشام را نوازش می دهد. مقبره وسط سالن و تابلوی عکسی روی آن جلب توجه می کند، عکس مالک و موسس کتابخانه «امیر توکل کامبوزیا» است. تمیزی سنگ مقبره نشان از نظافت ویژه و اهتمام متولیان دارد که با وجود ورزش باد و هجوم ریزگردها در زاهدان اجازه نمی دهند غباری بران و فضای اطراف باقی بماند. آن طرف سالن میزهای مطالعه چیده و با سلیقه ای خاص پارچه های سنتی روی آن پهن شده و گلدان هایی هم آن را آراسته است. درسالن دوم یا سالن مرجع کتابخانه، مجموعه کتاب های خود استاد به زبان روسی و فرانسه، فارسی و عربی قرار دارد و دیگر کتاب های موجود به حوزه جوانان، علمی، مذهبی، پژوهش و کمک درسی بر می گردد. با وجود باد و گرد و خاک روزهای اخیر در زاهدان، ذره ای خاک در قفسه ها دیده نمی شود و تمیزی و سلیقه زنانه را در آن جا می توان مشاهده و احساس کرد. محو تماشای سلیقه به کار رفته در چیدمان کتابخانه جا مانده در حاشیه شهر هستم که خانمی خوشرو که از قبل در جریان حضورم بود با سینی چای و ظرف خرما مرا دعوت به نشستن می کند. «صادق کامبوزیا» دختر «امیر توکل کامبوزیا»ی معروف است که از مخالفان سرسخت رژیم پهلوی بود و در جریان نبرد مهر ۱۳۰۰ اسیر و پس از مدتی به بیرجند و سپس برای همیشه به زاهدان تبعید شد.

**کانون گردهمایی روشنفکران**

«صادق کامبوزیا» می گوید: پدرم در بیرجند به تدریس زبان فرانسوی مشغول شد و با برگزاری جلسات تفسیر قرآن در مساجد و تکیه ها به سخنرانی علیه استبداد ادامه داد تا این که در سال ۱۳۱۲ برای دومین بار تبعید شد این بار به زاهدان که در آن زمان شهری تازه تاسیس بود. تا پایان عمر در این شهر به مطالعه، تألیف و کشاورزی در

باغش پرداخت که آن را در کویر بنا کرده بود که این باغ به کلات کامبوزیا شهرت دارد. وی همچنین در قلب کلات، کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا محیطی مناسب برای تحقیق و پژوهش، کانونی برای گردهمایی روشنفکران و فعالان سیاسی و محلی برای تشکیل جلسات بحث و گفت و گو درباره موضوع های مختلف باشد. وی اظهار می کند: پدر همیشه تحت تعقیب ساواک بود، نیروهای ساواک گاهی برای تحت فشار قرار دادن او به کتابخانه می آمدند و آن جا را تفتیش می کردند. پدر در ۲۴ مهر ۱۳۵۳ در هفتاد سالگی و در حالی که در سلامت کامل به سر می برد به دلیل مسمومیت به مرگی مشکوک توسط ساواک دچار شد و مدفن او به وصیت خودش، در کتابخانه شخصی او قرار گرفت. با حکم مراجع نیش قبر انجام و پیکر او از شهر به این قسمت منتقل شد. از سال ۵۳ تا ۶۲ چیزی از این کتابخانه باقی نمانده بود و بیشتر کتاب های آن را به غارت بردند، حتی در و شیشه ها هم شکسته بود. از ۸۰ هزار جلد کتاب فقط ۲۴ هزار جلد باقی مانده است و از تالیفات خود استاد هم چیزی در دست نیست. این مکان بازسازی شده کتابخانه کامبوزیا نام دارد و میزبان علاقمندان به کتاب خوانی است و از جاذبه‌های گردشگری زاهدان محسوب می شود.

**۸ هزار جلد کتاب میراث استاد**

وی درباره موضوعات کتاب های موجود در کتابخانه می گوید: از مجموعه کتاب های خود استاد هشت هزار باقی مانده است که دو هزار جلد به زبان روسی و فرانسه و بقیه فارسی و عربی و دیگر کتاب ها مربوط به حوزه های جوانان، پژوهش و کمک درسی است. وی می‌افزاید: پدرم ۱۴ پسر و ۱۴ دختر داشت که اغلب آن ها خود از نخبگان و فرهیختگان علمی و مذهبی هستند. به خانواده بسیار اهمیت می داد و دلش می خواست فرزندان زیادی داشته باشد و آن ها به مدارج بالای علمی و مذهبی برسند. وی



## جدول، سرگرمی، ورزش ذهن [۲۷/۵/۱۳۹۷]

**معمای مجموع ارقام**

شنبه ها و سه شنبه ها

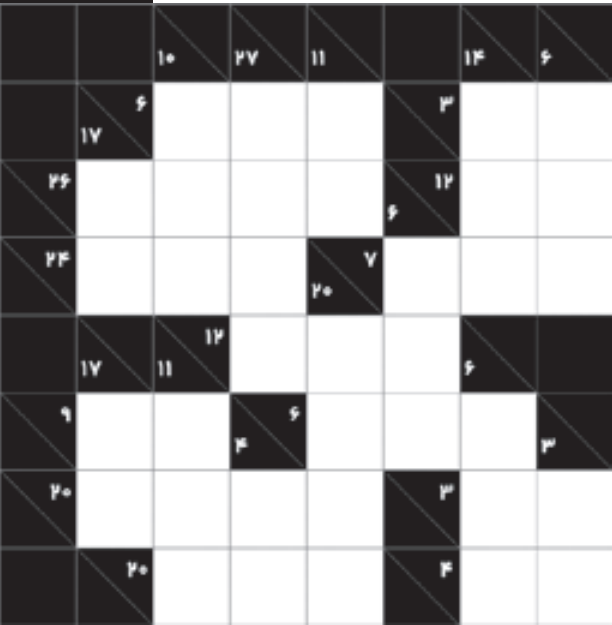


خانه‌های خالی را با ارقام ۱ تا ۹ تا طوری پر کنید که:

۱) مجموع ارقام هر تکه از سطر ها با عدد سفید سمت چپش برابر شود.

۲) مجموع ارقام هر تکه از ستون ها با عدد سفید بالایش برابر شود.

۳) ارقامی که در هر تکه می نویسید تکراری نباشند.



**برای راهنمایی، معمای مجموع ارقام را در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو کنید.**

**برای حل کافی است:**

• از رقم صفر استفاده نکنیم.

• جمع ارقام هر تکه افقی،

برابر با عدد سفید چپ و جمع

ارقام هر تکه عمودی، برابر با

عدد سفید بالایی باشد.



• رقم تکراری در تکه ای

نباشد.

• هرگز حدس نزنیم! بلکه

قبل از نوشتن هر رقم، دلیل

منطقی مان را برای نوشتن

آن، با خودمان مرور کنیم.

ادامه می دهد:

زمانی که از دواج کردم برای زندگی به تبریز

رفتم، در سال هایی که پدرم در قید حیات بود رفت و آمد

می کردم و پس از فوت او تا شش ماه به زاهدان نیامدم. در

این مدت هر شب خواب پدرم را می دیدم که ناراحت است

و در کتابخانه قدم می زند، زیرا کتابخانه را رها کرده بودیم.

هر پدر و مادری از فرزندان خود انتظار دارند کاری برایشان

انجام دهند اما ما سلمان بسیار کم بود و کاری انجام

ندادیم، به همین دلیل دینی بر گردن خود برای خوشحال

کردن پدرم احساس می کردم. وی بیان می کند: همسرم

از شاگردان پدر بود و شش ماه پس از فوت پدرم هنگامی

که به زاهدان آمدم با مشاهده وضعیت خواهران و برادرانم

تصمیم گرفت آن ها را با خود به تبریز ببرد، در شش ماه پس

از فوت پدر، خواهران و برادرانم به مدرسه نمی رفتند زیرا

ساواک به دو خانواده پول داده بود که بچه ها را اذیت کنند،

این که چطور از میان خواهران و برادرانم من عهده دار این

مسئولیت شدم تقدیر و قسمتم بود، از کودکی با کتاب

بزرگ شدم و هر روز جمعه کارمان مرتب کردن کتاب های

کتابخانه بود، پدر وسواس خاصی در چیدمان کتاب به کار

می برد و این عشق و علاقه پدر از بچگی به من منتقل شد

و سرانجام تصمیم گرفتم بمانم و در این کتابخانه زندگی

کنم. وی اظهار می کند: از این کار خسته نشدم و روز به

روز بیشتر به این میراث پدر وابسته می شوم و اگر مدتی

به مسافرت می روم فکر و خیالم این جاست و لحظه ای

نمی توانم از آن غافل شوم به همین دلیل قسمتی از آن را

مرتب کردم و همین جا کنار پدرم و کتاب ها زندگی می

کنم. سال ۶۵ توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

این مکان به عنوان کتابخانه عمومی ثبت شد و سال ۶۶

به عنوان کتابدار این مسئولیت را قبول کردم و ۳۰ سال



کتابخانه کامبوزیا محیطی مناسب برای تحقیق و پژوهش، کانونی برای گردهمایی روشنفکران و فعالان سیاسی و نیز محلی برای تشکیل جلسات بحث و گفت و گو در باب موضوعات مختلف بود

است در کنار مردم استان هستم. وی خاطرنشان می کند:

پدرم صفات بارز زیادی داشت، هوش و استعداد ذاتی،

حفظ قرآن و تسلط به هفت زبان و داشتن اخلاق اجتماعی،

از جمله ویژگی ها و صفات عالی پدرم بود، هر یک از بچه ها

یکی از صفات پدر را به ارث بردند و به نظر من هم جسارت

و ترس بودن را از او به ارث بردم و از کودکی از چیزی نمی

ترسیدم. از گذشته بدون فرزندانم و نگهبان در این منطقه

**دغدغه و مشکلات**

صادق کامبوزیا از دغدغه هایش می گوید، مشکلاتی که

با بازدید مسئولان کشوری و استانی هم رفع نشد و دیگر

هم نمی توان به رفع آن امید داشت. وی اظهار می کند:

مشکلات را به مرور زمان با زندگی کردن در این مکان

می توان فهمید. مشکل آب و قطع برق و تلفن به دلیل

سرقت کابل ها در این منطقه موضوع مهمی است. وی

ادامه می دهد: در بسیاری از موارد هزینه های کتابخانه

را خودم پرداخت می کنم، زیرا بودجه چندانی ندارد. بیان

مشکلات، هنگامی که دیده نمی شود و کاری برای رفع

آن انجام نمی دهند خسته کننده است. یک یا دو بار می

توان برای پیگیری مشکلات زنگ زد نه بیشتر. پدرم هم

به ما یاد داده که همیشه روی پای خودمان بایستیم. وی

بیان می کند: برای حاشیه نشینان در قالب فرهنگ سازی

اقدامات مختلفی انجام دادیم و در حوزه آموزش با ناشران

کشور مکاتبه کردیم و کتاب های رایگان را به عنوان هدیه

برای دانش آموزان فرستادند. میزبان مهمانان کشوری

هستیم، اشخاص زیادی هستند که در بدو ورود به زاهدان

به این مکان سر می زنند.

## فرهنگ

**مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد:**

### تشکیل ۹ اتاق گفت و گوی فرهنگ و رسانه در استان

گروه فرهنگ
 نه اتاق گفت و گوی علم، فرهنگ و رسانه با هدف هم افزایی در مشکلات فرهنگی و اجتماعی تشکیل شده است. به گزارش (سیستان و بلوچستان)، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی چهارشنبه شب در جلسه نشست های شب های فرهنگی زاهدان که با حضور جمعی از استادان دانشگاه، مدیران و فعالان فرهنگی و اجتماعی برگزار شد گفت: یکی از مهم ترین آفت های فرهنگ و رسانه سیاسی شدن برخی موضوع هاست. «حسین مسگرانی» بیان کرد: زاهدان ویژگی های مثبتی دارد که باید از ظرفیت رسانه ها برای برجسته کردن این ویژگی ها استفاده کرد. رسانه ها باید برای پیشرفت و توسعه زاهدان با همدیگر گفت و گو اهداف مشترکی را دنبال کنند که در این باره به رسانه های حرفه ای نیاز داریم. وی افزود: جامعه هنری انتظار دارد شهرداری و شورای اسلامی شهر حرف آن ها را بشنود و خوب است که این سلسله نشست های شب های زاهدان با هنرمندان هم برگزار شود و از ایده های آن ها در زیبا سازی شهر که تاثیر بسیار زیادی در شادابی شهر دارد استفاده شود.

### آموزش هزار راهنمای گردشگر دستور کار است

شهرکی
 هزار راهنمای گردشگر کارت دار امسال آموزش های لازم را فرا می گیرند. معاون گردشگری مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به خبرنگار ما گفت: آموزش این راهنمایان گردشگری می تواند سبب ایجاد اشتغال پایدار برای آن ها شود و به دلیل این که اولین نفراتی هستند که با گروه ها و تورهای گردشگری ارتباط برقرار می کنند می توانند معرفان خوبی برای جاذبه های استان باشند. «مجتبی میرحسینی» بیان کرد: سرانه اقامتی استان در طول سال ۴۵ درصد است و در ایام اوج سفر به بیش از ۸۰ درصد می رسد که در ایام اوج سفر تاسیسات اقامتی استان جوابگوی حضور گردشگران نیست و لازم است زیر ساخت های اقامتی افزایش یابد. افزایش تاسیسات گردشگری در قسمت زیر ساخت های گردشگری، مجتمع های بین راهی، پذیرایی و گردشگری و افزایش هتل آپارتمان ها در استان می تواند سرانه اقامتی استان را افزایش دهد.

#### جدول ویژه

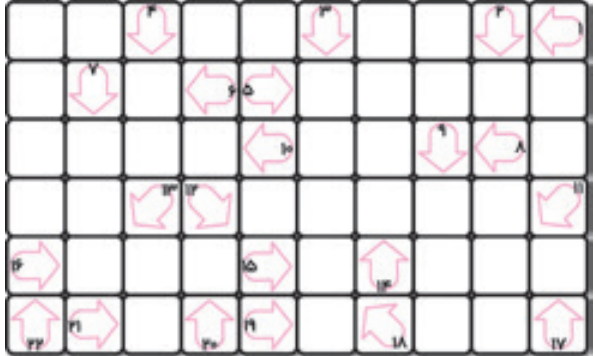
شنبه تا چهارشنبه



**قانون:** پاسخ ها را حرف به حرف در جهت فلش بنویسید

(نوشتن را از خود خانه فلش دار آغاز کنید). در آغاز هر سوال

گفته شده که پاسخ شما چند حرف دارد.



واژگان کمتر اما  
پرهیز از پرسش  
هرز (ناخواست)  
در این جدول،  
مایه افزایش  
بار آموزشی آن  
شده است.  
برخی سوال ها،  
از مطالب روزنامه  
خراسان روزهای  
قبیل طراحی  
شده است.

۹- (۴ حرفی) (رختخواب

۱۰- (۵ حرفی) مصرف ماهی از توانایی شناختی

کود که محافظت و..... را تقویت می کند.

۱۱- (۳ حرفی) راج خط

۱۲- (۳ حرفی) سود حرام پول

۱۳- (۳ حرفی) از حجم های معروف

۱۴- (۵ حرفی) مشکلات هاضمه، علایم سیستم

عصبی همچون عرق کردن، خشکی یا آب زیاد دهان

و..... از علایم معمول اعتیاد است.

۱۵- (۴ حرفی) حدود..... در صد زوج ها با ناباروری

دست و پنجه نرم می کنند و برخی هایشان در آرزوی

داشتن یک فرزند هستند.

۱۶- (۴ حرفی) بعضی

۱۷- (۶ حرفی) سریع السیر فرانسوی

۱۸- (۶ حرفی) کار اجباری کم مزد

۱۹- (۶ حرفی) تأیید و محکم

۲۰- (۶ حرفی) تأثیر بعضی غذاها همچون زنجبیل

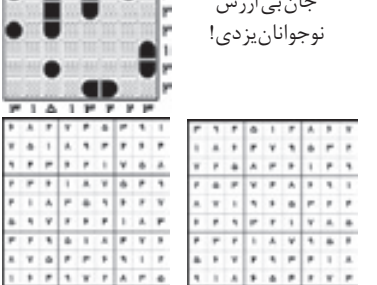
و..... در کاهش و بار زنان باردار تأیید شده است.

۲۱- (۳ حرفی) همه افراد خشکی دهان را با

قرار گرفتن در شرایطی مثل..... به صورت گذرا

تجربه کرده اند.

۲۲- (۶ حرفی) تأخیر



رمزواژه یابی:

جان بی ارزش

نوجوانان یزدی!

همان طور که در شکل مشخص است،

با چهار «جابه جایی» می توان این مسئله

را حل کرد:

